

چالش‌های اجرای آراء داوری تجاری بین‌المللی

در نظام حقوقی ایران و اسپانیا در پرتو کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸

محمد رضا سبحانی^۱، محمد طاهری^۲، احسان منصوری^۳، پریسا عامل^۴

چکیده

اجرای آراء داوری تجاری بین‌المللی یکی از ارکان اساسی کارآمدی نظام داوری در حل و فصل اختلافات تجاری فرامرزی محسوب می‌شود. کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ به‌عنوان مهم‌ترین سند بین‌المللی در این حوزه، چارچوبی واحد برای شناسایی و اجرای آراء داوری خارجی در نظام‌های حقوقی مختلف فراهم کرده است. با وجود این، نحوه تفسیر و اعمال مفاد کنوانسیون در نظام‌های حقوق داخلی می‌تواند چالش‌هایی در مرحله اجرای رأی ایجاد کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل چالش‌های اجرای آراء داوری تجاری در نظام حقوقی ایران و اسپانیا در پرتو کنوانسیون نیویورک انجام شده است. یافته‌های پژوهش که به شیوه توصیفی-تحلیلی نگارش یافته نشان می‌دهد که هر دو کشور از نظر ساختار قانونی، اصول کنوانسیون نیویورک را در قوانین داخلی خود پذیرفته‌اند. در ایران، قانون داوری تجاری بین‌المللی ۱۳۷۶ و مقررات مربوط به شناسایی و اجرای آراء داوری تا حد زیادی با مفاد کنوانسیون هماهنگ است؛ با این حال، عواملی مانند تفسیر موسع مفهوم نظم عمومی، محدودیت‌های ناشی از اصل ۱۳۹ قانون اساسی در خصوص ارجاع برخی دعاوی به داوری و ابهام در مرز میان بررسی شکلی و ماهوی توسط دادگاه‌ها از مهم‌ترین چالش‌های اجرایی محسوب می‌شود. در مقابل، در اسپانیا قانون داوری (Ley 60/2003) چارچوبی منسجم و همسو با استانداردهای بین‌المللی ایجاد کرده و رویه قضایی این کشور نیز عمدتاً رویکردی حمایتی نسبت به داوری اتخاذ کرده است. با این حال، فقدان تعریف قانونی دقیق از مفهوم نظم عمومی بین‌المللی و تفاوت‌های محدود در تفسیر آن میان دادگاه‌های منطقه‌ای از جمله چالش‌های نظری این نظام به شمار می‌آید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه هر دو کشور از منظر قانونی با نظام کنوانسیون نیویورک هماهنگ هستند، اما ثبات و انسجام رویه قضایی در اسپانیا موجب پیش‌بینی‌پذیری بیشتر در اجرای آراء داوری خارجی شده است. در این راستا در ایران تقویت رویکرد حداقلی دادگاه‌ها در مداخله در داوری و ارائه تفسیر محدود از نظم عمومی می‌تواند به افزایش کارآمدی و اعتماد به نظام داوری در سطح بین‌المللی کمک کند.

واژگان کلیدی: داوری تجاری بین‌المللی، کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸، اجراء رأی داوری، نظم عمومی، قانون داوری ایران، قانون داوری

اسپانیا

۱. دکتری حقوق بین‌الملل عمومی و دبیر کمیته حقوقی اتاق مشترک بازرگانی ایران و اسپانیا. (نویسنده مسئول)

dr.mohammadrezasobhani1980@gmail.com

۲. ریاست اتاق مشترک بازرگانی ایران و اسپانیا

۳. مشاور حقوقی و عضو کمیته حقوقی اتاق مشترک بازرگانی ایران و اسپانیا و وکیل پایه یک دادگستری

۴. عضو کمیته حقوقی اتاق مشترک بازرگانی ایران و اسپانیا و وکیل دادگستری

مقدمه

اسپانیا همواره مناسبات خوبی با ایران از منظر سیاسی و تجاری داشته و در تاریخ مناسبات ششصد ساله ایران و اسپانیا اسناد متعددی توسط مسئولین دو کشور منعقد شده است.^۱ اسپانیا با اقتصاد متنوع و توانمندی در بخشهایی مانند کشاورزی، انرژی و زیرساخت شریکی بالقوه برای ایران بوده است. آمار تجارت ایران و اسپانیا در سال ۲۰۲۳ نشان می‌دهد که کل حجم تجارت بالغ بر ۳۳۱.۸۲ میلیون دلار می‌باشد. (گزارش معاونت امور بین الملل اتاق بازرگانی ایران، ۱۴۰۴: ۴-۱) به منظور توسعه این اهداف، اتاق مشترک بازرگانی ایران و اسپانیا به عنوان نهادی غیر انتفاعی از سال ۱۳۸۰ و در راستای توسعه مناسبات تجاری، اقتصادی و صنعتی میان دو کشور تاسیس و فعالیت می‌نماید.^۲ در عین حال همانند همه رابط قراردادی تجاری، روابط تجاری میان شرکت‌های ایرانی و اسپانیایی نیز ممکن است با چالش‌ها و اختلافاتی همراه باشد. با توجه به اهمیت حل و فصل اختلافات تجاری میان شرکت‌های ایرانی و اسپانیایی از طریق روش‌های جایگزین حل و فصل اختلافات همانند داوری، کمیته حقوقی و داوری در اتاق مشترک بازرگانی ایران و اسپانیا راه‌اندازی گردیده است.

داوری یکی از موفق‌ترین روش‌های حل و فصل اختلاف، به ویژه در روابط تجاری بین‌المللی است. این روش غالباً بر مبنای توافقی است که از طریق آن، طرفین داوری را به عنوان روش حل و فصل اختلاف خود برمی‌گزینند. چنین توافقی به صورت درج شرط داوری در قرارداد و یا انعقاد یک موافقت‌نامه‌ی داوری صورت می‌گیرد که هر دو نوع، قرارداد داوری نامیده می‌شود. (باقری، ۱۳۹۹: ۱۹۵) در یک تعریف داوری به «انتخاب شخص ثالث از سوی طرفین اختلاف، برای تعیین راه حل الزام‌آور و به منظور رفع اختلاف» اشاره دارد. (خدابخشی، ۱۴۰۲: ۲۴) در تعریف دیگر داوری «پروسیه‌ای است که از طریق آن شخص ثالث بی‌طرف در خصوص موضوع مورد اختلاف رای الزام‌آور صادر می‌کند.» (درویشی هویدا، ۱۴۰۲: ۳۷) در اوایل سال (۲۰۱۵)، کمیته فرعی داوری «انجمن وکلای بین‌المللی» گزارش داد که استفاده از داوری به عنوان یک ساز و کار حل اختلاف، در همه دنیا افزایش یافته است. (IBA, 2015: 9) یکی از عوامل مهم در موفقیت نهاد داوری، قابلیت اجرای گسترده آراء داوری در میان طرفین دعواست که کنوانسیون نیویورک داعیه این وظیفه را دارد تا با محترم شمردن آراء دادگاه‌های ملی در هر کشور، به این اختلافات بپردازد. (زاهدیان و بزمی، ۱۴۰۰: ۱۰۹) لازم به ذکر است که در داوری، داوران به بی‌طرفی شهرت دارند که از فشارهای سیاسی مصون هستند. (Orsua, 2022: 32) اما همچنین در عمل و در طول سال‌ها، داوری با چالش‌هایی مواجه شده است (Łagiewska & Bhatia, 2024: 822) که از آن جمله می‌توان

1 . <https://spain.mfa.gov.ir/portal/GeneralCategoryServices/4400>

2 . <https://www.isbc.ir>



به اجرای آرای داوری خصوصا در کشورهای خارجی اشاره نمود. بر این اساس در این مقاله به بررسی این امر می پردازیم که اجرای آراء داوری تجاری در نظام حقوقی ایران و اسپانیا در پرتو کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ با چه چالش هایی مواجه است؟

۱- جایگاه کنوانسیون نیویورک در نظام حقوقی ایران و اسپانیا

کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ به عنوان مهمترین سند بین المللی راجع به داوری برخلاف عنوان خود تنها ناظر به شناسائی و اجرای آرای داوری تجاری نیست بلکه شناسائی و اجرای موافقتنامه های داوری را نیز تحت پوشش خود قرار داده است (بهمنی و صلحی، ۱۴۰۰: ۱۰۷). کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ درباره شناسایی و اجرای آرای داوری تجاری، به عنوان مهم ترین سند بین المللی در حوزه داوری تجاری، نقش بنیادینی در یکسان سازی قواعد اجرای آرای داوری در سطح جهانی ایفا می کند. این کنوانسیون با هدف رفع موانع ناشی از تفاوت نظام های حقوقی داخلی و تضمین گردش آزاد آرای داوری در عرصه تجارت بین الملل تصویب شد و امروزه به عنوان سنگ بنای نظام اجرای آرای داوری شناخته می شود (New York Convention, 1958). جایگاه کنوانسیون در نظام های حقوقی ملی، اگرچه برآمده از تعهدات بین المللی است، اما نحوه تفسیر، انطباق و اعمال آن توسط دادگاه های داخلی، تفاوت های چشمگیری را میان کشورهای عضو، از جمله ایران و اسپانیا، نمایان می سازد. این تفاوت ها نه تنها بر میزان اثربخشی کنوانسیون در هر کشور تأثیر می گذارد، بلکه چشم انداز کلی اجرای آرای داوری را نیز در عرصه بین المللی شکل می دهد.

در نظام حقوقی ایران، الحاق به کنوانسیون نیویورک به موجب «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون شناسایی و اجرای آرای داوری تجاری» مصوب ۱۳۸۰ صورت گرفت. این الحاق در کنار تصویب «قانون داوری تجاری بین المللی» مصوب ۱۳۷۶، بیانگر گرایش قانونگذار ایرانی به همگرایی با استانداردهای داوری بین المللی است.^۱ با این حال، اجرای آن در عمل تحت تأثیر مقررات داخلی، به ویژه قواعد مربوط به نظم عمومی و شرایط شکلی رسیدگی، قرار می گیرد. به ویژه مواد ۳۵ و ۳۶ قانون داوری تجاری بین المللی ایران که متأثر از ماده ۵ کنوانسیون تنظیم شده اند، مبنای اصلی بررسی دادگاه های ایرانی در رسیدگی به تقاضای اجرای رأی داوری خارجی را تشکیل می دهند (قانون داوری تجاری بین المللی ۱۳۷۶، مواد ۳۵ و ۳۶). در مقابل، اسپانیا به عنوان یکی از کشورهای پیشرو در حوزه داوری تجاری در اروپا، دارای قانون

۱. مطابق اصل ۹ قانون مدنی ایران، معاهدات بین المللی پس از تصویب مجلس، در حکم قانون داخلی محسوب می شوند؛ بنابراین کنوانسیون نیویورک در سلسله مراتب هنجارهای حقوقی ایران جایگاه قانونی دارد.



داوری ملی^۱ بسیار پیشرفته‌ای است که با کنوانسیون نیویورک انطباق بالایی دارد. نظام حقوقی اسپانیا، با تأکید بر اصل حداقل مداخله قضایی و رویکرد حمایتی از داوری، در اکثر موارد، اجرای آرای داوری خارجی را تسهیل کرده است.^۲ رویه قضایی اسپانیا در سال‌های اخیر، تلاش کرده است تا این مفهوم را به شکلی محدود و در راستای منافع اساسی نظام حقوقی و اقتصادی اسپانیا تفسیر کند، که این امر معمولاً به تسهیل بیشتر اجرای آرای داوری منجر شده است.

۲- شرایط شکلی و ماهوی اجراء آرای داوری خارجی در حقوق ایران و اسپانیا

بررسی چالش‌های اجرای آرای داوری تجاری در ایران و اسپانیا، بدون شناخت دقیق چارچوب حقوقی حاکم بر اجرای این آرا، ممکن نیست؛ زیرا نحوه کارکرد هر نظام حقوقی در مرحله اجرا مستقیماً ریشه در مبانی قانونی و ساختار هنجاری آن کشور دارد. کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ به‌عنوان سند پایه‌ای اجرای آرای داوری خارجی، اصول کلی و یکسان‌سازی‌شده‌ای را ارائه می‌کند، اما اجرای واقعی این اصول در هر کشور تابع قوانین داخلی و میزان هماهنگی آن قوانین با تعهدات بین‌المللی است. از این رو، تحلیل تطبیقی ایران و اسپانیا باید از این نقطه آغاز شود که ابتدا چه مقرراتی در هر یک از دو نظام حقوقی، مبنای شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی قرار می‌گیرند و چگونه در کنار کنوانسیون نیویورک اعمال می‌شوند. تبیین این چارچوب سه‌لایه یعنی قانون داوری ایران، قانون داوری اسپانیا و مقررات کنوانسیون، نه‌تنها بستر ورود به بحث را فراهم می‌کند، بلکه امکان فهم دقیق‌تر نقاط اختلاف، موانع اجرایی و شیوه مواجهه دادگاه‌های دو کشور با مفاهیمی همچون نظم عمومی، صلاحیت و شرایط شکلی را نیز مهیا می‌سازد.

۲-۱- شرایط صحت رأی داوری از منظر قوانین دو کشور

در نظام حقوقی ایران، شرایط صحت رأی داوری در اختلافات تجاری بین‌المللی در «قانون داوری تجاری بین‌المللی ۱۳۷۶» به‌ویژه در مواد ۳۰ تا ۳۳ تبیین شده است. این قانون با الگوبرداری مستقیم از قانون نمونه آنسیترال، مجموعه‌ای از الزامات شکلی همچون کتبی بودن رأی، امضای داور یا داوران، ذکر تاریخ و محل صدور رأی و نیز ارسال نسخه رأی به طرفین را پیش‌بینی کرده است.

1. Ley 60/2003, de 23 de diciembre, de Arbitraje

۲. این قانون به عنوان قانون اصلی داوری در اسپانیا می باشد و تا حد زیادی بر اساس قانون نمونه داوری آنسیترال (UNCITRAL Model Law) تنظیم شده است. در سالهای بعد هم با Ley 11/2011 اصلاحاتی در آن انجام شد.

رأی داور یا دیوان داوری چه در داوری های ملی و چه در سطح بین المللی، علی الاصول قطعی و رسیدگی آنها یک مرحله ای می باشد و قابل تجدیدنظر نیست. مع الوصف در مواردی چون کشف فساد، حيله و تقلب یا خطای چشمگیر داوری، عدم رعایت قوانین شکلی یا ماهوی که مخل صحت رأی داوری و موجب تضییع حقوق یکی از طرفین است، تدابیری اندیشیده شده تا بتوان با طرح دعوی ابطال یا بطلان، رأی داوری را بی اعتبار کرد که در این صورت موارد مزبور در قلمرو استثنائات اصل قطعیت آرای داوری قرار می گیرد. (رسول زاده و علوم یزیدی، ۱۳۹۹: ۱۸۵) همچنین از حیث ماهوی، رأی باید مبتنی بر اختیارات تفویض شده در قرارداد داوری بوده و خارج از حدود خواسته ها و صلاحیت داور نباشد؛ زیرا طبق ماده ۳۳، تجاوز داور از حدود مأموریت خود می تواند موجب ابطال رأی گردد. علاوه بر این، رعایت اصول اساسی دادرسی از جمله حق استماع، امکان ارائه دفاع و برخورداری از رفتار منصفانه از شرایط تضمین کننده اعتبار رأی محسوب می شود. این اصول، که در رویه قضایی ایران نیز مورد تأکید قرار گرفته اند، بخشی از مفهوم نظم عمومی دادرسی در نظام حقوقی ایران را تشکیل می دهند.

در اسپانیا، قانون داوری ۲۰۰۳، یکی از منسجم ترین مقررات اروپایی در خصوص شرایط اعتبار رأی داوری را ارائه می کند. ماده ۳۷ این قانون به طور مفصل شرایط شکلی رأی را برمی شمرد؛ از جمله لزوم کتبی بودن رأی، امضای داوران، ذکر دلایل رأی و بیان تاریخ و محل صدور. در بعد ماهوی، رأی داوری باید بر اساس مأموریت اعطاء شده از سوی طرفین صادر شده باشد و داور نمی تواند از حدود توافق شده فراتر رود؛ در غیر این صورت، مطابق ماده ۴۱(ج)، رأی قابلیت ابطال خواهد داشت.

بند ۱ ماده ۴۱ قانون داوری اسپانیا مقرر می دارد «رأی داوری فقط در صورتی می تواند ابطال شود که متقاضی ابطال ادعا کند و دلایل اثباتی ارائه دهد که: الف) توافق داوری وجود ندارد یا معتبر نیست؛ ب) به متقاضی، اخطار صحیح درباره تعیین داور یا آغاز رسیدگی داوری داده نشده، یا اینکه به هر نحو، امکان ارائه دفاع از او سلب شده است؛ ج) رأی داوری شامل تصمیماتی درباره موضوعاتی است که به داوری ارجاع نشده اند؛ د) تشکیل هیئت داوری یا روند داوری مطابق توافق طرفین نبوده است، مگر آنکه توافق مذکور با مقررات آمره این قانون تعارض داشته باشد، و در صورت نبود توافق، تشکیل هیئت یا روند داوری مطابق این قانون انجام نشده باشد؛ ه) موضوع اختلاف از اموری نباشد که قابلیت حل و فصل از طریق داوری داشته باشد؛ و) رأی داوری با نظم عمومی در تعارض باشد.

در قانون ایران رأی داوری، به عنوان جایگزینی برای رأی دادگاه، در صورتی اعتبار و اثر اجرایی دارد که با اصول دادرسی عادلانه و قواعد حاکم بر صلاحیت داور سازگار باشد. (زارع و نوجوان، ۱۴۰۴: ۳۱۵) همچنین قانون اسپانیا نیز تأکید ویژه ای

بر رعایت اصول اساسی دادرسی منصفانه دارد؛ اصولی که نقض آن‌ها - حتی بدون نقض قانون شکلی - می‌تواند رأی را از منظر نظم عمومی باطل یا غیرقابل شناسایی کند. در واقع، بخش‌هایی از ماده ۴۱(۱) ناظر به حق استماع، حق دفاع، برابری طرفین و اصول اساسی دادرسی منصفانه هستند. این سخت‌گیری در زمینه حقوق دفاعی طرفین، یکی از عناصر کلیدی رویکرد حمایتی قانون اسپانیا نسبت به داوری است.

با مقایسه شرایط صحت رأی داوری در ایران و اسپانیا، روشن می‌شود که هر دو کشور چهارچوب کلی مشابهی را پذیرفته‌اند، اما سطح تفصیل و شیوه اعمال قواعد متفاوت است. در ایران، ساختار قانون داوری تجاری بین‌المللی اصول شکلی و ماهوی را ارائه می‌دهد، اما تفسیر این اصول در مواردی تا حد زیادی به رویه دادگاه‌ها و معیارهای نظم عمومی داخلی واگذار شده است. در مقابل، قانون اسپانیا جزئیات گسترده‌تری را فراهم کرده و دادگاه‌ها نیز با تفسیر مضیق استثنائات، نقش فعال‌تری در الحفاظ بر نهایی بودن رأی دارند. همچنین در حالی که هر دو کشور رعایت حدود صلاحیت داور و امکان ارائه دفاع را شرط اساسی می‌دانند، اسپانیا به دلیل پیروی مستقیم از استانداردهای اروپایی و قانون نمونه، ثبات و پیش‌بینی‌پذیری بیشتری در تفسیر شرایط صحت رأی ارائه می‌کند. مجموع این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که اگرچه چهارچوب مفهومی دو نظام مشابه است، اما کاربرد عملی آن در اسپانیا منظم‌تر، و در ایران انعطاف‌پذیرتر اما گاه نامتجانس‌تر جلوه می‌کند.

۲-۲- نقش دادگاه صالح در بررسی شرایط

در نظام حقوقی ایران، دادگاه صالح در مرحله اجرای رأی داوری خارجی نقش نظارتی محدود اما ضروری دارد؛ نقشی که بر اساس قانون داوری تجاری بین‌المللی و کنوانسیون نیویورک تعریف شده است. مطابق ماده ۳۵ قانون داوری تجاری بین‌المللی (۱۳۷۶)، اجرای رأی تنها پس از درخواست کتبی از دادگاه صالح امکان‌پذیر است و دادگاه موظف است رأی را همانند احکام قطعی دادگاه‌ها به اجرا گذارد، مگر آنکه یکی از جهات امتناع موضوع ماده ۳۶ محقق باشد. ماده ۳۶ به‌طور کامل با ماده ۵ کنوانسیون نیویورک منطبق است و دادگاه تنها می‌تواند به جهاتی همچون عدم اعتبار موافقت‌نامه داوری، رعایت نشدن حق دفاع، خروج رأی از حدود اختیار، یا تعارض با نظم عمومی استناد کند. بدین ترتیب، دادگاه ایرانی رسیدگی ماهوی نمی‌کند و فقط مشروعیت و قابلیت اجرای رأی را با معیارهای قانونی بررسی می‌نماید.

در نظام حقوقی ایران، شناسایی و اجرای رأی داوری خارجی توسط دادگاه، کم و بیش با همان اهداف و مبانی که برای حکم خارجی مطرح شده، مقبول واقع گردید. این تدبیر ظرفیت بالای نظام حقوقی کشورمان را در انعطاف نسبت به اصل صلاحیت ملی نشان می‌دهد و دارای دو مصلحت حقوقی و سیاسی است. (موسوی، ۱۴۰۳: ۱۷۱) در این میان دادگاه‌های ملی

نقشی دوگانه و حیاتی ایفا می کنند. از یک سو، پاسدار حاکمیت قانون و نظم عمومی داخلی اند و از سوی دیگر، مجری تعهدات بین المللی دولت، بویژه کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک در خصوص شناسایی و اجرای احکام داورى خارجى. (کشکولی و غفاری، ۱۴۰۴: ۳۵۶)

در نظام حقوقی اسپانیا نیز دادگاه های صالح عموماً دادگاه های عالی منطقه ای^۱ نقش نظارتی مشابهی بر اجرای آرای داورى دارند، اما با رویکردی حمایت گرایانه تر نسبت به داورى. مطابق ماده ۸ بند (۶) قانون داورى اسپانیا، این دادگاه ها صلاحیت رسیدگی به درخواست های ابطال و درخواست های مرتبط با شناسایی و اجرای آرای خارجى را دارند. ماده ۸ بند (۶) قانون داورى اسپانیا مقرر می دارد « صلاحیت رسیدگی به شناسایی آرای داورى یا تصمیمات داورى خارجى بر عهده شعبه مدنى و کیفرى دادگاه عالی منطقه ای خواهد بود که شخصی که شناسایی علیه او درخواست شده است، یا شخص متأثر از رأی یا تصمیم، در آن محل دارای مرکز فعالیت یا اقامتگاه است؛ و در صورت نبود چنین معیاری، صلاحیت به طور تبعی با دادگاه محل اجرای رأی داورى یا محلی خواهد بود که رأی در آن باید آثار حقوقی خود را ایجاد کند.»^۲

بررسی دادگاه اسپانیا محدود به جهات ابطال مندرج در ماده ۴۱ بند (۱) و جهات امتناع از شناسایی و اجرا بر اساس کنوانسیون نیویورک (ماده ۵) است. بندهای (ب) و (و) ماده ۴۱ (۱) _ مربوط به حق دفاع و نظم عمومی به ویژه در رویه قضایی اسپانیا برجسته شده اند. دادگاه تنها به نقض جدی اصول اساسی دادرسی منصفانه واکنش نشان می دهد و از ورود ماهوی به اختلاف کاملاً خودداری می کند، که این امر رویکرد منضبط اما مؤید داورى در اسپانیا را تقویت می کند.

۳- موانع اجرای آرای داورى بر اساس کنوانسیون نیویورک

کنوانسیون نیویورک در مورد شناسایی و اجرای آرای داورى خارجى (۱۹۵۸) به عنوان موفق ترین سند چند جانبه در زمینه حقوق تجارت بین الملل به منظور افزایش کارایی نهاد داورى تنظیم شده است. این سند به عنوان یکی از مهم ترین اسناد فراملی که چارچوب اصلی رژیم بین المللی اجرای آراء داورى بر آن مبتنی است با هدف تسهیل اجرا و اثربخشی هرچه بیشتر آرای داورى ایجاد گردیده است. (مافی و اسحقى، ۱۴۰۲: ۱۵۴) در کنوانسیون نیویورک شرایطی مشخص شده است که مطابق آن امکان شناسایی و اجرای رای داورى وجود دارد. (آقاپور و آذربایجانى، ۱۴۰۱: ۳) بر این مبنا کنوانسیون نیویورک

1. Tribunales Superiores de Justicia

۲. این ماده اهمیت زیادی دارد زیرا نشان می دهد که: نخست- رسیدگی برای شناسایی آرای خارجى در اسپانیا در صلاحیت دادگاه های عالی منطقه ای (Tribunal Superior de Justicia) است، دوم- صلاحیت بر اساس محل اقامت یا مرکز فعالیت محکوم علیه تعیین می شود و سوم- به صورت تبعی، محل اجرای رأی یا محل تحقق آثار حقوقی آن معیار قرار می گیرد.

۱۹۵۸ با هدف تسهیل شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی تدوین شد، اما برای تضمین عدالت و رعایت حداقل الزامات دادرسی، در ماده (۱)۵ مجموعه‌ای از موانع مشخص و محدود را پیش‌بینی کرده است. این موانع ذاتاً استثنایی‌اند و تنها زمانی قابل استناد هستند که طرف معترض دلایل کافی ارائه کند. مهم‌ترین این موارد شامل عدم اعتبار موافقت‌نامه داوری موضوع ماده (۱)۵(الف)، عدم رعایت اصول بنیادین رسیدگی منصفانه مانند حق دفاع و اخطار صحیح موضوع ماده (۱)۵(ب)، خروج رأی از حدود اختیار داوران موضوع ماده (۱)۵(پ) و ترکیب یا روند داوری خلاف توافق طرفین یا قانون مقر داوری موضوع ماده (۱)۵(ت) است. این بخش از کنوانسیون نشان می‌دهد که حمایت از داوری تنها زمانی معتبر است که فرآیند داوری مطابق با استانداردهای حداقلی انصاف و قرارداد باشد. در کنار موانع ناشی از درخواست‌کننده ابطال یا عدم اجرا، ماده (۲)۵ کنوانسیون دو مانع مستقل را معرفی می‌کند که دادگاه می‌تواند «به ابتکار خود»^۱ به آن‌ها استناد کند.^۲ در این خصوص یکی از مهم‌ترین موانع در کنوانسیون، مسئله قابلیت داوری (داوری‌پذیری) است که در ماده (۲)۵(الف) مطرح می‌شود. مطابق این بند، اگر موضوع اختلاف طبق قانون کشور محل درخواست اجرا «قابلیت ارجاع به داوری» نداشته باشد، شناسایی و اجرا ممکن نیست.

اگر قانون، ارجاع موضوع اختلاف یا رجوع شخص طرف اختلاف را به داوری ممنوع یا محدود کرده باشد با مانع مهمی در داوری رو به رو هستیم که با ضمانت اجرای بطلان قرارداد یا شرط داوری، ابطال رأی داور توسط دادگاه یا غیر قابل اجرا بودن آن، تضمین می‌گردد. (خدابخشی، ۱۴۰۲: ۶۹) این قاعده، بنیانی مبتنی بر ملاحظات حاکمیتی دارد، زیرا برخی موضوعات مانند مسائل خانواده، ورشکستگی، یا حقوق عینی اموال غیرمنقول در بسیاری از کشورها داوری‌ناپذیر تلقی می‌شوند. در این چارچوب، کنوانسیون اختیار تشخیص حدود داوری‌پذیری را به دولت محل اجرا واگذار کرده است و همین امر سبب تفاوت در رویکرد کشورها می‌شود. نقش این بند در تطبیق حقوق ایران و اسپانیا نیز بسیار مهم است، زیرا دامنه داوری‌پذیری در این دو نظام یکسان نیست.

اما مهم‌ترین مانع، نظم عمومی^۳ مندرج در ماده (۲)۵(ب) است. مفهوم نظم عمومی در کنوانسیون، به‌طور مضیق تفسیر می‌شود و به نظم عمومی بین‌المللی نزدیک‌تر است تا نظم عمومی داخلی. دادگاه‌ها تنها در صورتی حق دارند اجرای رأی را رد کنند

1. proprio motu

۲. لازم به توضیح است که در ماده (۱)۵ کنوانسیون، دادگاه فقط زمانی می‌تواند از اجرای رأی خودداری کند که طرف معترض دلیل و مدرک ارائه کند؛ یعنی با درخواست و ادعای یکی از طرفین. اما در ماده (۲)۵ کنوانسیون، دادگاه حتی بدون درخواست طرفین و به ابتکار خودش می‌تواند از اجرا امتناع کند. البته در ادبیات داوری بین‌المللی معمولاً واژه *ex officio* نیز استفاده می‌شود.

3. public policy

که رأی به طور آشکار با اصول بنیادین عدالت، اخلاق یا ساختارهای اساسی حقوقی کشور محل اجرا تعارض داشته باشد. بنابراین، نظم عمومی در کنوانسیون نباید به ابزاری برای ورود ماهوی و مجدد به اختلاف تبدیل شود. در قالب مکانیسم داوری، فرآیندها و موضوعات شکلی از جمله انتخاب داوران، دادرسی داوری، ادله اثبات در داوری و اجرای رأی داوری ظهور و بروز می نماید که هر کدام از این فرآیندها از منظر نظم عمومی قابل بررسی هستند چرا که در امور شکلی نیز تخطی از نظم عمومی شکلی، موجبات بطلان اراده خصوصی را بوجود خواهد آورد. (شهبازی نیا و بازگیر، ۱۳۹۴: ۸۹)

مجموعه موانع پیش‌بینی شده در ماده ۵ کنوانسیون نیویورک، توازن دقیقی میان حمایت از داوری و صیانت از اصول بنیادین حقوقی برقرار کرده است. این موانع نه برای تسهیل عدم اجرا، بلکه برای جلوگیری از به رسمیت شناختن آرای است که با اصول اساسی عدالت یا توافق طرفین ناسازگارند. تفسیر مضیق ماده ۵ در رویه بسیاری از کشورها از جمله اسپانیا باعث شده که شناسایی و اجرا به قاعده، و امتناع از اجرا به استثنا تبدیل شود. در مقابل، برخی کشورها مانند ایران به دلیل گستره وسیع‌تری از مفهوم نظم عمومی یا تأکید بر الزامات شکلی، گاهی با رویکرد سخت‌گیرانه‌تری برخورد می‌کنند. با این حال، ساختار کنوانسیون و فلسفه آن به روشنی نشان می‌دهد که ملاک اصلی، حمایت از قطعیت رأی داوری و احترام به اراده طرفین است و نه بازبینی مجدد اختلاف در قالب موانع اجرا.

۴- چالش‌های عملی در اجرای آرای داوری تجاری در ایران و اسپانیا

صرف نظر از چارچوب نظری و مقررات کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸، اجرای آرای داوری تجاری در هر کشوری با چالش‌های عملی خاصی مواجه است که ریشه در نظام حقوقی، رویه قضایی و حتی ساختار سیاسی-اقتصادی آن کشور دارد. در این بخش، دو چالش اساسی و متفاوت در ایران و اسپانیا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۴- چالش اجرای رأی داوری تجاری در ایران

در مرحله شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی با توجه به الحاق ایران در سال ۱۳۸۱ به کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک با دو قانون اصلی اجرایی در ایران، (کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک و قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران) روبرو می‌باشیم. چنانچه داوری تحت شمول یکی از آن دوسند اتفاق افتاده باشد می‌توان از این معیارها استفاده کرد و یا در صورت استفاده از دو قانون در نهایت با توجه به دو اصل «نسخ قانون سابق توسط قانون لاحق» و «حاکمیت قانون خاص بر قانون عام» و قاعده

«انتخاب مساعد ترین قانون» طبق کنوانسیون ۱۹۵۸ جهت تسهیل در اجرای آرای داور، حتی در صورت داشتن تفاوت بین این دو قانون، تعارض بوجود آمده را حل نماید. (توسلی نائینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۵) در نظام حقوقی ایران مقرر مهمی در قانون اساسی و برخی از قوانین عادی دارد که توسعه داور را محدود می‌کند. (خدابخشی، ۱۴۰۲: ۷۰) به موجب اصل ۱۳۹ قانون اساسی « صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داور در هر مورد، موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.»

این اصل، اگرچه در ظاهر ناظر به ارجاع به داور یعنی مرحله پیش از بروز اختلاف و انعقاد موافقتنامه داور است، اما در عمل آثار مستقیمی بر مرحله اجرای رأی داور نیز دارد. به این ترتیب که اگر شرط داور در قراردادی که یکی از طرفین آن شرکت دولتی یا نهاد عمومی ایرانی است، بدون رعایت تشریفات مذکور یعنی تصویب هیئت وزیران و در موارد مربوط به طرف خارجی، تصویب مجلس، منعقد شده باشد، دادگاه‌های ایرانی ممکن است آن موافقتنامه داور را باطل یا غیرقابل استناد تلقی کنند. در نتیجه، رأی داور صادره بر مبنای چنین شرطی، در مرحله درخواست اجرا با ایراد اساسی عدم اعتبار موافقتنامه داور، مطابق با ماده ۵(الف) کنوانسیون نیویورک، مواجه خواهد شد. بنابراین، اصل ۱۳۹ نه تنها یک مانع شکلی در زمان انعقاد قرارداد است، بلکه یک چالش عملی جدی در مرحله اجرای رأی محسوب می‌شود که شرکت‌های خارجی باید از همان ابتدا نسبت به رعایت آن اطمینان حاصل کنند. عدم توجه به این اصل، مهم‌ترین خطر برای بی‌اثر شدن کل فرآیند داور در ایران است.

چالش دیگر اجرای آرای داور خارجی در ایران، دامنه گسترده اختیار دادگاه در بررسی نظم عمومی است. اختیاری که مشابه ماده ۵(ب) کنوانسیون نیویورک، به دادگاه اجازه می‌دهد به ابتکار خود مانع اجرا شود، حتی بدون اینکه طرف محکوم علیه ایراد مطرح کرده باشد.

موضوع نظم عمومی از جمله عواملی است که اصل آزادی اراده اشخاص را در انعقاد قراردادها محدود می‌کند و در نظام حقوقی ایران همانند سایر نظام های حقوقی جهان امکان اجرای مفاد قراردادهای مخالف نظم عمومی جامعه وجود ندارد. (قنبریان، ۱۳۹۷: ۱) مطابق ماده ۳۹ قانون داور تجاری بین‌المللی ۱۳۷۶، اگر دادگاه تشخیص دهد اجرای رأی مخالف نظم عمومی یا اخلاق حسنه ایران است، می‌تواند درخواست اجرا را رد کند. گستره مفهومی نظم عمومی در حقوق ایران که در قوانین پراکنده‌ای مانند ماده ۹۷۵ قانون مدنی منعکس گردیده، سبب شده است که دادگاه‌ها در مواردی ورود گسترده‌تری

نسبت به کشورهای اروپایی داشته باشند. این امر یکی از قانونی ترین چالش های پیش بینی پذیری و اطمینان در اجرای آرای داورى خارجى در ایران است.

شاید مهمترین دلیلی که تا این اندازه نظم عمومی مورد توجه قرار می گیرد به این بر می گردد که این معیار نیز همچون قابلیت داورى کل جامعه را تحت الشعاع قرار می دهد. به همین جهت هم هر عاملی که بر کل جامعه اثر داشته باشد دارای محدودیت هایی از طرف قانون گذار می شود. (شاه حیدری و همکاران، ۱۴۰۳: ۸۹)

چالش بعدی به قابلیت داورى موضوع اختلاف مربوط است، موضوعی که دادگاه ایران نیز راسا می تواند به آن استناد کند. طبق ماده ۳۴ (۱) قانون داورى تجارى بین المللی ایران، اگر موضوع دعوا قابلیت ارجاع به داورى نداشته باشد، رأی قابل اجرا نیست. دامنه داورى پذیری در ایران محدودتر از بسیاری از کشورهاست و به ویژه موضوعات مربوط به اموال غیرمنقول، ورشکستگی، ثبت، احوال شخصیه، مالیات و دعاوی کیفری خارج از شمول داورى تلقی می شوند. از آنجا که قوانین ایران تعریف جامع و روشنی از داورى ناپذیری ارائه نمی کنند، دادگاه ها با تفسیر موسع این دسته از موضوعات گاه مانع اجرای آرای داورى خارجى می شوند. حتی اگر رأی در یک کشور دیگر درباره موضوعی کاملاً داورى پذیر صادر شده باشد. این عدم تطابق، یکی از موانع مهم هماهنگی ایران با رویه بین المللی است.

چالش دیگر به بررسی شکلی رأی و فرایند داورى به ابتکار دادگاه مربوط می شود. ماده ۳۵ قانون داورى تجارى بین المللی ایران مقرر می دارد «به استثنای موارد مندرج در مواد (۳۳) و (۳۴) آرای داورى که مطابق مقررات این قانون صادر شود قطعی و پس از ابلاغ لازم الاجرا است و در صورت درخواست کتبی از دادگاه موضوع ماده (۶) ترتیبات اجرای احکام دادگاهها به مورد اجرا گذاشته می شوند...» بر این مبناء دادگاه باید پیش از صدور دستور اجرا احراز کند که رأی دارای شرایط شکلی الزامی مانند کتبی بودن، امضای داوران، تاریخ و محل صدور و غیره است و روند داورى مطابق توافق طرفین انجام شده است که این امر نوعی نظارت قضایی محسوب می شود. هرچند این موارد در ظاهر شکلی اند، اما برخی دادگاه ها با تفسیری موسع وارد بررسی های نیمه ماهوی می شوند. برای مثال بررسی اینکه آیا حق دفاع به طور کامل رعایت شده است یا آیا داوران از حدود صلاحیت خارج شده اند؟ هرچند قانون، بررسی ماهوی را ممنوع کرده، اما مرز میان بررسی شکلی و ورود به ماهیت در عمل باریک است و همین امر می تواند به افزایش عدم پیش بینی پذیری و تأخیر در اجرای آرای داورى خارجى در ایران منجر شود.

۲-۴- چالش اجرای رای داورى تجارى در اسپانيا

يکى از چالش‌هاى مهم در مرحله اجرای رای داورى در حقوق اسپانيا، مربوط به الزامات شکلى رای است. ماده ۳۷ قانون داورى اسپانيا مقرر مى‌دارد که رای بايد کتبى، داراى امضاهاى معتبر (اکثریت داوران يا رئيس هيئت)، حاوى دلايل و مستندات (به جز در موارد توافق طرفين)، و همچنين شامل تاريخ و محل صدور باشد.

مارتينس آتينسا در شرح خود بر ماده ۳۷ قانون داورى اسپانيا تصريح مى‌کند که رای داورى بايد کتبى بوده و توسط داوران امضا شود. در مواردی که بیش از یک داور وجود دارد، امضای اکثریت اعضای هیئت داورى یا تنها امضای رئيس هيئت کافى است، مشروط بر اينکه دلايل فقدان یک يا چند امضا در رای ذکر شود. وی همچنين تأکيد مى‌نماید که رای داورى بايد مستدل باشد، مگر در مواردی که رای بر اساس توافق طرفين صادر شده باشد. افزون بر اين، درج تاريخ صدور و محل داورى دررای الزامی است و رای در همان محل صادر شده تلقى مى‌گردد. (Martínez Atienza, 2013: 197-203)

اين الزامات شکلى نه تنها ضامن اعتبار و قابليت اجرای رای هستند، بلکه تجلى‌گر اصول بنيادين دادرسی منصفانه در نظام حقوقى اسپانيا محسوب مى‌شوند که پيشتر به آن اشاره گرديد.

افزون بر اين، ماده ۴۶ همين قانون، به عنوان قواعد حاکم بر اجرای آرای خارجى، آرای صادره در خارج از اسپانيا را رای خارجى تلقى کرده و اجرای آنها را تابع کنوانسيون نيويورک ۱۹۵۸ و قانون آيين دادرسی مدنى اسپانيا مى‌داند. همچنين ماده ۸ (۶) قانون داورى اسپانيا مقرر مى‌دارد «صلاحيت رسيدگى به شناسايی آرای داورى خارجى يا تصميمات داورى خارجى بر عهده شعبه مدنى و کيفرى دادگاه عالى منطقه‌ای است که شخصی که شناسایی عليه او درخواست شده است، يا شخص متأثر از آن رای يا تصميم، در آن محل داراى مرکز فعاليت تجارى يا اقامتگاه باشد؛ و به‌طور تبعی (در صورت نبود چنين معيارى)، صلاحيت با دادگاه مربوطه در محل اجرای آن رای داورى يا تصميم، يا محلى خواهد بود که رای بايد آثار حقوقى خود را در آنجا ايجاد کند.» همچنين «دادگاه‌هاى بدوى که بر اساس معيارهاى مذکور تعيين مى‌شوند، صالح به اجرای آرای داورى خارجى يا تصميمات داورى خارجى خواهند بود.» در برخى دعاوى، دادگاه‌هاى عالى منطقه‌ای^۱، در ارزيايى رعايت اين الزامات رويکردی نسبتاً سخت‌گیرانه اتخاذ کرده‌اند.

چالش بعدی به مرز میان دعوای ابطال رای (ماده ۴۱) و مرحله اجرای رای (مواد ۴۴-۴۶) قانون داورى اسپانيا مربوط مى‌شود. ماده (۴۱) قانون داورى اسپانيا پيرامون جهات ابطال مقرر مى‌دارد «۱. رای داورى فقط در صورتی قابل ابطال است که متقاضی ادعا کند و دليل اثباتی ارائه دهد که: (الف) موافقتنامه داورى وجود ندارد يا معتبر نيست. (ب) به متقاضی اخطار

۱. به‌ویژه دادگاه عالى منطقه ای مادرید (TSJ de Madrid) و دادگاه عالى منطقه ای کاتالونیا (TSJ de Catalunya)

صحیح درباره تعیین داور یا آغاز رسیدگی داورى داده نشده، یا اینکه به هر نحو، امکان ارائه دفاع از او سلب شده است. (ج) رأی داورى شامل تصمیماتی درباره موضوعاتی است که به داورى ارجاع نشده اند. (د) تشکیل هیئت داورى یا روند داورى مطابق با توافق طرفین نبوده است، مگر آنکه توافق مذکور با مقررات آمره این قانون تعارض داشته باشد و در صورت نبود توافق، تشکیل هیئت یا روند داورى مطابق با این قانون انجام نشده باشد. (ه) موضوع اختلاف از اموری نباشد که قابلیت حل و فصل از طریق داورى را داشته باشد (داورى ناپذیر باشد). (و) رأی داورى با نظم عمومی در تعارض باشد.»

میگل آنخل سرانو در تحلیل خود از رویه قضایی اسپانیا پیرامون مخالفت رای داورى خارجی با نظم عمومی تصریح می‌کند که دادگاه قانون اساسی اسپانیا^۱، با صدور آرای متعدد خود در سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲، رویکردی کاملاً حمایتی از داورى در پیش گرفته و مفهوم نظم عمومی را به‌طور مضیق تفسیر کرده است. به باور این نویسنده، دادگاه قانون اساسی اسپانیا تأکید دارد که گسترش مفهوم نظم عمومی توسط دادگاه‌های عالی منطقه‌ای، موجب ورود به ماهیت اختلاف و خارج شدن از حیطه رسیدگی ابطال می‌شود. وی همچنین اشاره می‌کند که دقیقاً به دلیل نامشخص بودن مفهوم نظم عمومی، خطر تبدیل آن به بهانه‌ای برای دادگاه جهت بازبینی مجدد موضوعات مطرح شده در داورى چند برابر می‌شود. (Serrano, 2024) برخلاف بسیاری از کشورها که مفهوم نظم عمومی را به‌صورت موسع تفسیر می‌کنند، اسپانیا اساساً رویکردی مضیق و بین‌المللی شده نسبت به نظم عمومی دارد. ماده ۴۱(۱) (و) قانون داورى اسپانیا مقرر می‌دارد که چنانچه رأی داورى با نظم عمومی در تعارض باشد قابل ابطال است که این امر منوط به درخواست از دادگاه است. با این حال برای گسترش اختیارات دادگاه در بند (۲) ماده ۴۱) مقرر می‌دارد «دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوای ابطال رأی، می‌تواند به ابتکار خود یا به درخواست دادستان (در رابطه با منافی که قانوناً دفاع از آن به دادستان محول شده است) وجود شرایط مندرج در بندهای (ب)، (ه) و (و) بند (۱) این ماده را احراز کند.»

موضوع دیگر تبیین چارچوب حقوقی اجرای آرای داورى در اسپانیا در قالب یک نظام دوگانه حاکم بر آن، یعنی اعمال همزمان قانون آیین دادرسی مدنی و مقررات قانون داورى (به‌ویژه مواد ۴۳ تا ۴۵) در پرتو کنوانسیون نیویورک است. ماده ۴۴ این قانون مقرر می‌دارد «آرای داورى مطابق با مقررات قانون آیین دادرسی مدنی و این عنوان (بخش) اجرا می‌شوند.» این ماده با آنکه کوتاه است اما نشان می‌دهد که اجرای رأی داورى در اسپانیا تابع یک نظام دوگانه است. یکی قانون آیین دادرسی مدنی اسپانیا^۲ که این قانون تشریفات اجرای احکام دادگاه‌های داخلی و همچنین احکام خارجی از جمله آرای داورى خارجی

۱. Tribunal Constitucional. یا دیوان قانون اساسی اسپانیا عالی‌ترین نهاد قضایی برای نظارت بر رعایت قانون اساسی (Constitución Española 1978) است.

2. Ley de Enjuiciamiento Civil - LEC

که به رسمیت شناخته شده‌اند را تعیین می‌کند.^۱ دوم، اشاره به عنوان چهارم قانون داوری اسپانیا که شامل مواد ۴۳ تا ۴۵ می باشد و این بخش از قانون داوری، قواعد خاص مربوط به شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی از جمله استناد به کنوانسیون نیویورک و جهات امتناع از اجرا را تعیین می‌کند.

نکته ای که در اینجا باید به آن اشاره کنیم تعریف قانون داوری اسپانیا از رای داوری خارجی است. ماده ۴۶ قانون داوری اسپانیا در این زمینه مقرر می دارد « ۱. رأی خارجی، رأیی تعریف می‌شود که در خارج از اسپانیا صادر شده باشد. ۲. اجرای آرای خارجی تابع کنوانسیون شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی مصوب ۱۰ ژوئن ۱۹۵۸ نیویورک خواهد بود، بدون آنکه به مقررات سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی مساعدتر لطمه‌ای وارد شود، و تشریفات الزاماً مطابق با آنچه در قانون آیین دادرسی مدنی برای احکام صادره از دادگاه‌های خارجی مقرر شده است، انجام خواهد گرفت...»^۲ نکته مهم ماده ۴۶(۱) پیرامون رای داوری خارجی این است که این تعریف بر اساس مکان صدور رأی یعنی مقرر داوری است، نه تابعیت طرفین یا قانون حاکم بر قرارداد و این همان رویکرد غالب در کنوانسیون نیویورک است.

هرچند قانون اسپانیا به صراحت تأکید می‌کند که دادگاه صرفاً در چارچوب ماده ۴۱ می‌تواند رأی را ابطال کند و در مرحله اجرا تنها باید شرایط محدود کنوانسیون نیویورک را اعمال نماید، اما در برخی پرونده‌ها رویه قضایی نشان داده است که دادگاه‌ها گاه مباحث ماهوی یا شکلی را که در اصل باید در دعوای ابطال مطرح شوند، در مرحله اجرای رأی نیز مورد توجه قرار می‌دهند. این پدیده به‌ویژه زمانی رخ داده که طرف محکوم‌علیه اصلاً دعوای ابطال اقامه نکرده و فقط در مرحله اجرا مقاومت کرده است؛ امری که موجب شده دادگاه، بین دو نهاد «رد درخواست اجرا» و «ابطال» مرزبندی سختی نداشته باشد. اگرچه روند عمومی رویکردی حمایتی است، اما همین عدم تفکیک روشن در برخی آراء باعث ایجاد ابهام و عدم پیش‌بینی‌پذیری در فرآیند اجرای آرای داوری خارجی در اسپانیا شده است.

در قانون اسپانیا یک مشکل وجود دارد و آن است که در قانون اسپانیا تعریف دقیق و روشن پیرامون نظم عمومی بین‌المللی^۳ ندارد و همین‌طور تعیین نکرده که فرق آن با نظم عمومی داخلی یا همان ملی^۴ چیست. رویه قضایی اسپانیا نشان می‌دهد که

۱. این شامل مراحل مانده درخواست اجرا، توقیف اموال، اعتراضات محکوم‌علیه و غیره می‌شود.

۲. در اسپانیا، قانون به صراحت کنوانسیون نیویورک را به عنوان قانون حاکم بر اجرای آرای خارجی معرفی کرده است. همچنین ارجاع به سایر کنوانسیون‌های مساعدتر، نشان‌دهنده رویکرد حمایت از اجرای رأی داوری است. در ایران، وضعیت مشابهی وجود دارد و ماده ۳۵ قانون داوری تجاری بین‌المللی نیز کنوانسیون نیویورک را مبنای کار قرار داده است، اما ارجاع صریحی به قوانین مساعدتر در آن دیده نمی‌شود (هرچند اصل ۹ قانون مدنی و قاعده الزام به مساعدترین قاعده، در حقوق بین‌الملل ایران قابل استناد است)

3. Orden público internacional

4. Orden público nacional

دادگاه‌ها تنها در موارد کاملاً استثنایی به استناد نقض نظم عمومی بین‌المللی برای عدم شناسایی یا اجرای رأی داوری متوسل شده‌اند؛ مواردی مانند نقض جدی حق دفاع^۱ یا وجود فساد یا بی‌نظمی آشکار در روند داوری. با این حال، همانطور که اشاره شد از آنجا که قانون داوری اسپانیا تعریفی صریح از مفهوم نظم عمومی بین‌المللی ارائه نمی‌کند و مرز روشن آن را با نظم عمومی داخلی نیز مشخص نمی‌سازد، برخی دادگاه‌های عالی منطقه‌ای در تفسیر این مفاهیم رویکردهای متفاوتی اتخاذ کرده‌اند. این تفاوت‌های محدود اما قابل‌توجه در رویه، چالشی نظری و عملی برای پیش‌بینی‌پذیری اجرای آرای داوری خارجی ایجاد کرده است. دادگاه اسپانیایی در آراء مختلف (TSJ de Madrid, Auto 12/2015، TSJ de Cataluña، TSJ de País Vasco، Auto 9/2014^۲، Auto 57/2017^۳) که بر تفسیر مضیق نظم عمومی بین‌المللی تأکید می‌کند، بر ضرورت پرهیز از مداخله گسترده و احترام به استقلال داوری تصریح کرده‌اند، هرچند هنوز هم تفاوت‌هایی در نحوه اعمال این معیار دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی چالش‌های اجرای آرای داوری تجاری در ایران و اسپانیا در پرتو کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ نشان می‌دهد که هر دو کشور، با وجود پذیرش رسمی داوری بین‌المللی و پیوستن به کنوانسیون، در مرحله اجرا با ملاحظات حقوقی و رویکردهای قضایی متفاوتی مواجه‌اند. این تفاوت‌ها، بیش از آنکه ناشی از تعارض با مفاد کنوانسیون باشد، ریشه در ساختار حقوق داخلی، تفسیر دادگاه‌ها از معیارهای نظم عمومی و نحوه تلقی نظام‌های قضایی از ماهیت داوری به‌عنوان شیوه‌ای خصوصی اما الزام‌آور برای حل و فصل اختلافات دارد.

1. Derecho de defensa

۲. دادگاه مادرید با رد استناد به عدم رعایت برخی تشریفات داوری، اعلام کرد که برای امتناع از اجرای رأی، نقض باید جدی، اساسی و مؤثر بر حق دفاع باشد و صرف ایرادات شکلی یا اختلاف‌نظر در استدلال داوران، نظم عمومی را نقض نمی‌کند. دادگاه تأکید کرد که نقش آن نظارت ماهوی نیست و هرگونه ورود به محتوای دعوا مغایر با فلسفه داوری است. این رأی یکی از منابع کلیدی برای اثبات رویکرد **pro-arbitration** دادگاه‌های اسپانیاست و مفهوم آن رویکرد یا سیاستی می‌باشد که به نفع داوری است و تلاش می‌کند از فرایند داوری، اعتبار رأی و کارآمدی آن حمایت کند.
۳. در این پرونده، خواهان ابطال رأی مدعی شده بود که داوران به برخی دلایل شکلی و مدارک توجه نکرده‌اند. دادگاه کاتالونیا هرچند درخواست را رد کرد، اما تصریح نمود که نقض شدید و اساسی تشریفات یا بی‌توجهی آشکار به حق استماع طرفین می‌تواند نظم عمومی را نقض کند. این رأی غالباً به عنوان نمونه‌ای از رویکرد اندکی حساس‌تر نسبت به مادرید یاد می‌شود.
۴. در این رأی دادگاه باسک تأکید کرد که نظم عمومی بین‌المللی باید مجموعه‌ای محدود از اصول بنیادی باشد و نمی‌توان مفاهیم خاص حقوق داخلی مانند قواعد شکلی سخت‌گیرانه آیین دادرسی داخلی را به‌عنوان مبنای امتناع از اجرای رأی خارجی به کار برد. همچنین تصریح شد که ارزیابی دادگاه در این مرحله صرفاً شکلی و حداقلی است.

نخست آنکه، ایران با تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی ۱۳۷۶ و الحاق رسمی به کنوانسیون نیویورک در سال ۱۳۸۰، از نظر چارچوب قانونی در هماهنگی کامل با معیارهای بین‌المللی قرار گرفته است. مواد ۳۵ و ۳۶ این قانون که ناظر بر شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی است، تقریباً بازتابی مستقیم از ماده ۵ کنوانسیون به شمار می‌آیند و از حیث ماهوی هیچ محدودیتی بیش از آنچه کنوانسیون اجازه می‌دهد ایجاد نمی‌کنند. با این حال، چالش اصلی در ایران نه در سطح مقررات قانونی، بلکه در سطح رویه قضایی و تفسیر دادگاه‌ها بروز می‌کند. دادگاه‌های ایران گاه از مفهوم نظم عمومی برداشت گسترده‌تری ارائه کرده‌اند و به استناد ماده ۳۹ قانون، امکان ابطال یا امتناع از اجرای رأی را به اموری مرتبط با قواعد آمره داخلی گسترش داده‌اند. علاوه بر این، وجود اصل ۱۳۹ قانون اساسی که ارجاع دعاوی مربوط به اموال عمومی و دولتی به داوری را منوط به تصویب دولت و مجلس می‌کند، محدودیت مضاعفی در حوزه داوری‌پذیری ایجاد می‌کند. هرچند این اصل ناظر به مرحله انعقاد توافق داوری است، اما در عمل گاهی بر اجرای رأی نیز سایه می‌اندازد و موجب تردید در صحت توافق داوری از منظر دادگاه می‌شود. چالش دیگر، گاه مرز مبهم میان رسیدگی شکلی و ورود ماهوی توسط برخی دادگاه‌هاست. مسأله‌ای که با روح کنوانسیون و اصل حداقل مداخله قضایی همخوانی کامل ندارد. با وجود این، رویه جدیدتر دادگاه‌ها گرایش بیشتری به پایبندی به ارکان شکلی و پرهیز از بررسی ماهوی نشان می‌دهد، هرچند این روند هنوز به‌طور کامل تثبیت نشده است.

در مقابل، اسپانیا با تصویب Ley 60/2003 به یکی از نظام‌های پیشرو در حمایت از داوری تجاری بدل شده است. ویژگی بارز نظام اسپانیایی، رویکرد pro-arbitration و حداقلی دادگاه‌ها در مداخله در آرای داوری است. مواد ۴۱ و ۴۶ این قانون، جهات ابطال و نیز موانع شناسایی و اجرا را مطابق کنوانسیون نیویورک محدود و دقیق تعریف کرده‌اند. افزون بر این، قانون‌گذار با سپردن صلاحیت رسیدگی به دعاوی ابطال و اجرای آرای خارجی به دادگاه‌های عالی هر منطقه، وحدت نسبی و تخصص قضایی بیشتری ایجاد کرده است. با این حال، چالش اصلی اسپانیا نه در زمینه گستره مداخله، بلکه در فقدان تعریف قانونی روشن از مفهوم نظم عمومی بین‌المللی است. این ابهام سبب شده که دادگاه‌های مناطق مختلف در برخی موارد تفسیرهای اندکی متفاوت ارائه دهند. برای نمونه، رأی مادرید در ۲۰۱۵ بر تفسیر بسیار مضیق تأکید می‌کند، در حالی که دادگاه کاتالونیا در رأی ۲۰۱۷ اندکی حساسیت بیشتر نسبت به نقض حق دفاع نشان داده است. در عین حال، دادگاه باسک در ۲۰۱۴ بر تمایز روشن نظم عمومی داخلی و بین‌المللی تأکید کرده و دامنه دفاع مبتنی بر نظم عمومی را به اصول اساسی و محدود فروکاسته است. این اختلافات البته گسترده نیست و رویه غالب اسپانیا همچنان مبتنی بر حداکثر احترام به رأی داوری و حداقل مداخله قضایی است.

با مقایسه دو نظام، می توان گفت که ایران و اسپانیا هر دو در ظاهر از اصول مشترکی پیروی می کنند، اما شدت و پایداری اجرای این اصول متفاوت است. در اسپانیا، رویکرد **pro-arbitration** نه تنها در متن قانون، بلکه در ثبات رویه دادگاه ها نیز دیده می شود و همین امر پیش بینی پذیری نسبی فرایند اجرا را تقویت می کند. در مقابل، در ایران اگرچه قانون داوری تجاری بین المللی ساختاری سازگار با استانداردهای جهانی دارد، اما برخی رویه ها هنوز از ثبات کامل برخوردار نیست و دامنه مفهوم نظم عمومی یا داوری ناپذیری گاه گسترده تر از معیارهای پذیرفته شده بین المللی تفسیر می شود. افزون بر این، در اسپانیا هیچ محدودیت هم تراز با اصل ۱۳۹ وجود ندارد؛ بنابراین آزادی قراردادی و قابلیت ارجاع دعاوی به داوری گسترده تر پذیرفته شده است.

در نهایت، می توان نتیجه گرفت که نظام حقوقی اسپانیا نسبت به ایران محیط مناسب تری برای اجرای آرای داوری خارجی فراهم می آورد، نه به دلیل تفاوت جوهری در قوانین، بلکه به سبب یکدستی رویه قضایی، تفسیر محدود نظم عمومی و تعهد پایدار دادگاه ها به اصل استقلال داوری. در ایران نیز با تقویت آموزش تخصصی قضات، افزایش آشنایی با رویه بین المللی و تأکید بیشتر بر تفکیک میان ارزیابی شکلی و ورود ماهوی، می توان شفافیت و پیش بینی پذیری اجرای آرای داوری را به طور قابل توجهی بهبود بخشید. بر این اساس، مقایسه تطبیقی حاضر نشان می دهد که اگرچه هر دو کشور از چارچوب های حقوقی سازگار با کنوانسیون برخوردارند، اما مسیر اجرایی شدن آن ها نیازمند انسجام و تفسیر هماهنگ تری است تا داوری به عنوان شیوه ای مؤثر و پیش بینی پذیر در سطح بین المللی ایفای نقش کند.

پیشنهادهای

۱. ضرورت ارائه تعریف یا معیارهای روشن برای نظم عمومی در حقوق ایران
۲. تقویت آموزش تخصصی داوری تجاری بین المللی برای قضات در ایران
۳. بازنگری در نحوه اجرای اصل ۱۳۹ قانون اساسی مبنی بر ایجاد سازوکارهای مشخص تر برای اخذ مجوزهای لازم در قراردادهای تجاری بین المللی یا ارائه تفسیر مضیق تر از آن
۴. یکسان سازی رویه دادگاه های اسپانیا در خصوص نظم عمومی بین المللی
۵. گسترش همکاری های حقوقی و مطالعات تطبیقی میان ایران و اسپانیا



منابع

- بهمنی، محمدعلی و صلحی، احسان (۱۴۰۰) چالش‌های شناسایی و اجرای موافقت‌نامه‌های داوری در چارچوب ماده ۲ کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸، حقوقی دادگستری، ۱۱۴
- آقاپور، کمال؛ آذربایجانی، علیرضا (۱۴۰۱) شناسایی آرا داوری تجاری بین‌المللی در حقوق ایران و کنوانسیون نیویورک، مطالعات فقه اقتصادی، ۴ (۳)
- باقری، روح انگیز (۱۳۹۹) اجرای آراء داخلی و خارجی در قانون داوری تجاری بین‌المللی و کنوانسیون نیویورک، تحقیقات جدید در علوم انسانی، ۳۱
- زاهدیان، مجتبی و بزمی مایوان، احسان (۱۴۰۰) اجرای آراء دادگاه‌های ملی به عنوان رأی داوری در پرتو کنوانسیون نیویورک، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۴۹
- گزارش اتاق بازرگانی ایران (۱۴۰۴) گزارش جامع درباره روابط اقتصادی ایران و اسپانیا، معاونت امور بین‌الملل، اداره اروپا
- خدابخشی، عبدالله (۱۴۰۲) حقوق داوری و دعاوی مربوط به آن در رویه قضایی، چاپ دوازدهم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- درویشی هویدا، یوسف (۱۴۰۲) شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلافات، چاپ چهارم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- رسول زاده فرساد، علی و علوم یزدی، حمیدرضا (۱۳۹۹) مبانی قطعیت آرای داوری و حقوق شهروندی؛ مطالعه تطبیقی در نظام‌های ملی و بین‌المللی، اقتصاد و مدیریت شهری، ۳۳
- زارع، سجاد؛ نوجوان، دکتر علیرضا (۱۴۰۴) بررسی تطبیقی موانع اجرای رای داوری در روابط میان طرفین قرارداد و اشخاص ثالث، فقه و حقوق نوین، ۲۲
- موسوی، عباس (۱۴۰۳) شناسایی و اجرای رای داوری خارجی در رویه قضایی؛ توجیه و نقد دادنامه شعبه ۵۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران، نقد و تحلیل آراء قضایی، ۶
- کشکولی، رسول؛ غفاری، سیما (۱۴۰۴) شناسایی و اجرای رای داوری خارجی در ایران: واکاوی انتقادی دادنامه صادره از مجتمع قضایی صدر تهران، نقد و تحلیل آراء قضایی، ۷
- توسلی نایینی، دکتر منوچهر؛ مقامی، دکتر امیر؛ موسوی، کلثوم السادات (۱۳۹۸) موانع غیر مشترک شناسایی و اجرای رای داوری تجاری خارجی در کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ و قانون داوری تجاری ایران ۱۳۷۶، نامه صدوق، ۲ (۵)





- خدابخشی، عبدالله (۱۴۰۲) حقوق داوری و دعاوی مربوط به آن در رویه قضایی، چاپ دوازدهم، تهران: نشر شرکت سهامی انتشار
- شهبازی نیا، مرتضی و بازگیر، سعید (۱۳۹۴) نظم عمومی و نقش آن بر امور شکلی داوری، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۲۳
- قنبریان، مهدی (۱۳۹۷) مفهوم نظم عمومی و اهمیت آن بر اعتبار قرارداد در حقوق ایران و فرانسه، همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ۵
- شاه حیدری، فیروزه، خدری، صالح، فرهنگ پور، شاپور (۱۴۰۳) جایگاه نظم عمومی و امنیت ملی در داوری تجاری بین المللی، پژوهشنامه ایرانی روابط بین الملل، ۲ (۳)
- IBA Arb40 Subcommittee, The Current State and Future of International Arbitration: Regional Perspectives, p 9 (September 2015), available at <https://www.ibanet.org/Document/Default.aspx?DocumentUid=2102CA46-3D4A-48E5-AA20-3F784BE214CA>.
- Orsua, Reynold (2022) Resolving Climate Change-Related Disputes through Alternative Modes of Dispute Resolution, Asian Dispute Review, 24 (1).
- Łagiewska, Magdalena & Bhatia, Vijay K (2024) International Arbitration in the Digital World, International Journal for the Semiotics of Law - Revue internationale de Sémiotique juridique, 37
- Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards (New York, 1958)
- Ministerio de Justicia, Ley 60/2003, de 23 de diciembre, de Arbitraje (Spain)
- Martínez Atienza, G. (2013). Ley de Arbitraje: estudio sistematizado. Ediciones Experiencia.

